



تأملی در تأملات دکارتی هوسرل

ابوالفضل مسلمی

مترجم محترم در پیشگفتار این کتاب بیان می‌کند که: "در روزهای ۲۳ و ۲۵ فوریه ۱۹۲۹ هوسرل، به دعوت "انجمن مطالعات ژرمنی" و "جامعه فرانسوی فلسفه"، در دانشگاه سوربن پاریس و در تالار دکارت، چهار کنفرانس با عنوان «درآمدی بر پدیده‌شناسی استعلایی» به زبان آلمانی ایراد کرد. اثری که بعدها تأملات دکارتی نامیده شد ثمره این کنفرانس‌هاست. در آن زمان متن اصلی آلمانی این کنفرانس‌ها منتشر نشد اما در فاصله کوتاهی ترجمه فرانسوی آنها توسط امانوئل لویناس و گابریل پایفر در ۱۹۳۰ آماده و در ۱۹۳۱ انتشار یافت. کوپره این ترجمه را به نظر هوسرل رسانده بود و آن طور که از نامه او به فلیکی کافمان برمی‌آید از آن "نیمه راضی" بوده است. متن اصلی آلمانی، یعنی متن سخنرانی‌ها که گاه با متن کنونی آلمانی آن که متن رسمی تلقی می‌شود اختلافاتی دارد، گم شد و هرگز پیدا نگردید. از همین رو ترجمه فرانسوی که از روی همین متن گم شده صورت گرفته است، متنی "تاریخی" و منحصر به فرد محسوب می‌شود، بخصوص که چاپ نسخه فرانسوی این سخنرانی‌ها سال‌ها قبل از چاپ متن رسمی آلمانی در ۱۹۵۰ (که به کوشش اشتراسر به عنوان جلد اول هوسرلیانا در لاهه و زیر نظر آرشیو هوسرل در لوون انتشار یافت) سبب گردید تا علاقمندان و پژوهشگران این رشته تا مدت‌ها فقط از طریق ترجمه فرانسوی با اندیشه‌های هوسرل در این اثر آشنا شوند.

هوسرل در بازگشت از پاریس در استراسبورگ توقف کرد و بار دیگر همین سخنرانی‌ها را ایراد کرد، و ژان هرینگ شاگرد سابق هوسرل و استاد دانشگاه استراسبورگ ترجمه آنها را به لویناس... پیشنهاد کرد. به نظر می‌رسد که هوسرل در بازگشت به فرایبورگ متن سخنرانی‌ها را برای ارسال به استراسبورگ حک و اصلاح کرده باشد. گویا تصمیم داشته که متن اصلی آلمانی را در همان سال ۱۹۲۹ در سالنامه پدیده‌شناسی و پژوهش‌های پدیده‌شناختی منتشر کند. اما این اتفاق هرگز نیافتاد و نسخه اصلی آلمانی که به "نسخه استراسبورگ" معروف بود و به وسیله کوپره به هوسرل بازگردانده شده بود، در کاغذهای هوسرل و بایگانی‌های لوون یافت نشد. اما شاید بتوان با مطالعه دستنوشته‌ای از این اثر که به نام "نسخه C" معروف است، تصویری از آن حاصل کرد. این نسخه متعلق است به دوریان کرنز، شاگرد هوسرل، و هوسرل با دست خود بر آن نوشته است: تأملات دکارتی، متن اصلی ۱۹۲۹، برای دوریان کرنز. در ترجمه انگلیسی این اثر نیز دوریان کرنز غالباً این متن را به متن رسمی هوسرلیانا ترجیح داده و توافقی‌های متعدد این متن با ترجمه فرانسوی را در پانوشته‌ها نشان داده است.

ترجمه فارسی این اثر با استفاده از متن فرانسوی ترجمه لویناس و پایفر، نسخه آلمانی اشتراسر و ترجمه انگلیسی دوریان کرنز انجام شده است. گرچه روح کلی این سه متن یکسان است اما از حیث تأکیدها، ترکیب‌ها، سیاق عبارات و ترجمه بعضی اصطلاحات تفاوت‌هایی گاه آشکار دارند (حتی در مواردی بعضی سطرها و عبارتها نیز در آنها متفاوت یا غایب است) اما این تفاوت‌ها نه تنها دشواری مهمی در فهم کلی مطلب ایجاد نمی‌کنند بلکه گاه حتی به غنای درک ما از آن و امکان توجه به وجوه دیگری از مضامین کمک می‌کنند. در ترجمه فارسی این اثر تعدادی از این تفاوت‌ها [و البته نه همه آنها] را در پانوشته‌ها یادآوری کرده ایم."

با توجه به مطالب فوق نگارنده تلاش می‌کند تا در این مقاله به نقد و بررسی سه مسئله زیر بپردازد:

۱. آیا ترجمه تأملات دکارتی هوسرل بر اساس سه متن مورد نظر مترجم مفید و سودمند است یا خیر؟
۲. ترجمه فارسی براساس سه متن واجد چه معنایی است؟
۳. آیا واقعاً چنین کاری انجام گرفته است یا خیر؟

پاسخ پرسش اول

شاید پاسخ "آری" به پرسش نخست بدیهی به نظر برسد. اما با اندکی تأمل آشکار می‌شود که به ویژه با توجه به متن تأملات دکارتی هوسرل، نمی‌توان قاطعانه پاسخ داد. زیرا به نظر نگارنده تنها در یک صورت، ترجمه تأملات دکارتی هوسرل بر اساس سه متن می‌تواند مفید باشد. استدلال نگارنده بدین قرار است:



تأملات دکارتی، ادموند هوسرل
ترجمه: عبدالکریم رشیدیان،
نشر نی، ۱۳۸۱



۱. ما با دو متن اصلی - یعنی متن فرانسه تأملات دکارتی (که متن آلمانی آن مفقود شده است) و متن آلمانی آن - سروکار داریم که، همان طور که مترجم نیز اذعان می‌کند، این دو متن تفاوت‌های بسیاری با یکدیگر دارند. (در این جا بدین خاطر از متن سوم که متن انگلیسی است سخن به میان نیاوردم که این متن ترجمه متن آلمانی می‌باشد و از این رو متن اصلی نیست).

۲. از دیدگاه پدیده شناختی می‌توانیم بگوییم که ما در اصل با دو متن و پدیده سروکار داریم که به نظر هوسرل باید از یکدیگر کاملاً متمایز شوند؛ نکته بسیار مهم در این جا عبارت از این است که: اگر هوسرل به عنوان یک فیلسوف همواره خود را آغازگر فلسفه و پدیده شناسی می‌داند و همواره دست به اصلاح نوشته‌های خویش می‌زند و هر نقطه از این مرحله را یک مرحله پدیده شناختی می‌داند که با مرحله قبل از آن به لحاظ رویکرد پدیده شناختی تفاوت‌های بسیاری دارد و این مطلب درباره تأملات دکارتی نیز صادق باشد پس باید متن تأملات دکارتی را نه یک متن بلکه باید آن را دو متن دانست. متن نخست، یعنی متن فرانسه، متنی است که هوسرل به عنوان فیلسوف آن را بیان کرده است، ولی متن دوم، یعنی متن آلمانی، متنی است که هوسرل در مقام پدیده شناس آن را تصحیح نموده یا حداقل تغییر داده است. از این رو، هر دو متن باید بی‌کم و کاست ترجمه شوند تا گذر هوسرل را از تأملات دکارتی نخست (که همان متن فرانسه است) به تأملات دکارتی دوم (که همان متن آلمانی است) نشان دهند، همان طور که ویرایش اول و دوم کانت بر سنجش خرد ناب را نمی‌توان یکی دانست (هر چند که می‌توان بی‌کم و کاست آنها را در یک کتاب ترجمه کرد، یعنی همان کاری را که جناب ادیب سلطانی انجام داده است).

۳. پس می‌توان نتیجه گرفت: در صورتی ترجمه "تأملات دکارتی بر اساس دو یا سه متن" مفید خواهد بود که گذر پدیده شناختی هوسرل به طور کامل نشان داده شود و چنین چیزی مستلزم آن است که دو متن فرانسه و آلمانی بی‌کم و کاست و با تمام تفاوت‌هایی که دارند ترجمه شوند. اما بی‌درنگ می‌توان دریافت که ترجمه فارسی تأملات دکارتی هوسرل چنین شرطی را برآورده نمی‌سازد، یعنی مترجم، دو متن و پدیده اصلی را بی‌کم و کاست و به طور کامل به فارسی ترجمه نکرده است. از این رو می‌توان گفت که ترجمه "تأملات دکارتی بر اساس سه متن" به این شیوه نه تنها مفید نیست بلکه در مغایرت آشکار با رویکرد هوسرل به آثارش است. در همین راستا همچنین می‌توان گفت که چنین ترجمه‌ای، ترجمه پدیده شناختی نیست. زیرا اگر مقصود و هدف هوسرل در پدیده شناسی همواره بازگشت به خود پدیده‌ها باشد و توجه به اینکه هر پدیده در ساحت و زمان خویش چگونه است و چه تفاوتی با پدیده دیگر دارد، آن گاه می‌توان گفت که: از آن جایی که ما با دو پدیده مواجه هستیم یعنی تأملات دکارتی ۱ و تأملات دکارتی ۲، ترجمه همزمان این دو پدیده به عنوان یک پدیده و بدتر از آن به عنوان پدیده‌ای مختلط، به معنای عدم توجه به خود پدیده‌ها به صورت منفرد و در نتیجه به معنای نشناختن رویکرد پدیده شناختی در ترجمه است.

پاسخ پرسش دوم

اینکه ترجمه فارسی این اثر با استفاده از سه متن فوق (آلمانی، فرانسه و انگلیسی) صورت گرفته است به چه معناست؟ به لحاظ منطقی می‌توان گفت که یکی از سه حالت زیر ممکن است:

۱. متن آلمانی، متن اصلی بوده است و برخی از تفاوت‌های متون فرانسه و انگلیسی در پانوشته‌ها یادآوری شده اند.
۲. متن فرانسه، متن اصلی بوده و برخی از تفاوت‌های متون آلمانی و انگلیسی مورد توجه قرار گرفته است
۳. متن انگلیسی، متن محوری بوده است و برخی تفاوت‌های متون آلمانی و فرانسه ذکر شده اند.

حالت سوم محتمل، ولی نامعقول است؛ زیرا متن انگلیسی، ترجمه متن آلمانی می‌باشد. پس یکی از دو متن فرانسه و آلمانی باید به عنوان متن اصلی و پایه در نظر گرفته شده باشد. اکنون نگارنده تلاش می‌کند تا نشان دهد که مترجم کدام حالت را برگزیده است.

پاسخ پرسش سوم

اگر نگاهی گذرا به متن فارسی بیان‌دازیم با چند نکته و تناقض مواجه می‌شویم:

۱. نشر نی، به عنوان ناشر این کتاب، در قسمت "مشخصات کتاب" عنوان آلمانی را (Cartesianische Meditationen) انتخاب کرده است و ظاهراً به نظر می‌رسد که متن آلمانی، متن اصلی بوده است.
۲. با وجود این، در سراسر کتاب با پانوشته‌هایی مواجه می‌شویم که به هر سه متن مربوط می‌شوند (به لحاظ آماری می‌توان تعداد پانوشته‌های مربوط به متن فرانسه را بسیار زیاد، تعداد پانوشته‌های مربوط به متن آلمانی را اندک و تعداد پانوشته‌های مربوط به متن انگلیسی را بسیار کم یعنی ۶ مورد دانست).

نکته دوم ما را به شگفتی می‌اندازد و برای ما این پرسش را مطرح می‌کند که متن اصلی مورد نظر مترجم کدام است که بر مبنای آن، همواره در پانوشته‌ها نوشته می‌شود که "متن آلمانی... متن فرانسه... و متن انگلیسی در اینجا متفاوت است." (به





عنوان مثال در پانوشت ص ۶۴ متن فارسی می‌بینیم: "کلمه وضعیت در متن فرانسه وجود ندارد"
یا در پانوشت ص ۱۶۶ می‌بینیم: "ترجمه فرانسه این جمله متفاوت است"
یا در پانوشت ص ۲۱۰ می‌بینیم: "به مثابه ایدوس در متن آلمانی وجود ندارد"
یا در پانوشت ص ۱۵۶ می‌بینیم: "در متن انگلیسی: همراه با کثیری از "اویژه‌های خارج از من" [وجود دارد])
آیا باید بگوییم که مترجم به طور همزمان از سه متن استفاده نموده است و از هر متن جمالتی را بنابه تفسیر خود برای ترجمه انتخاب کرده است؟

آیا باید بگوییم که مترجم از هیچ یک از این سه متن استفاده نکرده و متن چهارمی در کار بوده است؟
یا اینکه می‌توانیم به لحاظ آماری مثلاً بگوییم که متن انگلیسی ۱۵، متن فرانسه ۸۰ و متن آلمانی ۵ مورد ارجاع بوده است؟

شاید اگر نگاهی عمیق تر به متن فارسی بیاندازیم و آن را با سه متن آلمانی، فرانسه و انگلیسی مطابقت دهیم بتوانیم پاسخی برای این پرسش بیابیم.

نگارنده این تطبیق را بر پایه سه متن ذیل انجام می‌دهد:
متن آلمانی:

Husserl Edmund. cartesianische Meditationen, Eine Einleitung in die Phänomenologie, herausgegeben, eingeleitet und mit registern versehen von Elisabeth Ströker. Flix Meiner Verlag. Hamburg, Meiner. 1995

متن فرانسه:

Husserl Edmund, Méditations Cartésiennes, Introduction à la phénoménologie, traduit de l'allemand par Gabrielle Peiffer et Emmanuel Lévinas, Librairie Philosophique J. Vrin Paris 1992.

متن انگلیسی:

Husserl Edmund, Cartesian Meditations, An Introduction to Phenomenology, translated by Dorion Carins, Seventh impression, Martinus Nijhoff, The Hague. 1982

لازم به ذکر است که پرسش‌های فوق برای نخستین بار هنگامی برای نگارنده مطرح شدند که به خواندن متن آلمانی این اثر مشغول بود و بر حسب اتفاق به تفاوت‌های بسیار آشکار متن آلمانی و متن فارسی این اثر پی برد. مثلاً در عنوان کتاب، این تفاوت‌ها کاملاً مشخص است. به برخی از آنها اشاره می‌کنم:

۱. قسمت عناوین کتاب

مورد نخست:

متن آلمانی، ص XIII:

§ 1. Descartes Meditationen als Urbild philosophischer Selbstbesinnung

متن فرانسه، ص ۱:

1. Les " Méditations «de Descartes, prototype du retour philosophique sur soi-même

متن انگلیسی، ص VII:

1. Descartes' Meditations as the prototype of philosophical reflection

متن فارسی § ۱. تأملات دکارت به مثابه سرمشق بازگشت فلسفی به خود
توضیح: آشکار است که در اینجا ترجمه فارسی از متن فرانسه صورت گرفته است و به متن آلمانی و انگلیسی توجه نشده است. همچنین در پانوشت کتاب نیز اشاره ای به این تفاوت نگاشته است. با توجه به متن آلمانی و انگلیسی می‌توان به ترتیب این گونه ترجمه کرد:

متن آلمانی "تأملات دکارت به مثابه نخستین نمونه خودآگاهی فلسفی"

متن انگلیسی "تأملات دکارت به مثابه نخستین نمونه تأمل فلسفی"

این درحالی است که مترجم در ص ۲۲۸ متن فارسی اصطلاح "Selbstbesinnung" را معادل با "خودآگاهی یافتن فلسفی" گرفته است.



مورد دوم:

متن آلمانی:

II. Meditation: Freilegung des transzendentalen Erfahrungsfeldes nach seinen universalen Strukturen

متن فرانسه:

Deuxième Méditation. Le champ d'expérience transcendantal et ses structures générales

متن انگلیسی:

SECOND MEDITATION. THE FIELD OF TRANSCENDENTAL EXPERIENCE LAID OPEN IN RESPECT OF ITS UNIVERSAL STRUCTURES

در صورتی ترجمه
تأملات دکارتی
بر اساس دو یا سه متن
مفید خواهد بود که
گذر پدیده شناختی
هوسرل به طور کامل
نشان داده شود و

متن فارسی تأمل دوم: آشکارسازی میدان تجربه استعلایی و ساخت‌های کلی آن

توضیح: در اینجا روشن نیست که مترجم، کدام یک از عبارات لاتین را به فارسی ترجمه کرده است؛ زیرا ترجمه دقیق سه عبارت فوق بدین گونه است:

عبارت آلمانی تأمل دوم: آشکارسازی حوزه استعلایی تجربه بر مبنای ساختارهای کلی آن

عبارت فرانسه تأمل دوم. حوزه تجربه استعلایی و ساختارهای کلی آن

عبارت انگلیسی تأمل دوم. آشکارسازی حوزه تجربه استعلایی با توجه به ساختارهای کلی آن
شاید بتوان گفت که مترجم بر اساس تفسیر و گزینش خود عمل کرده است.

۲. اما صرف نظر از عناوین کتاب می‌توان تفاوت‌های بسیاری را نیز در متن یافت، که نگارنده در این مقاله تنها به برخی از آنها اشاره می‌نماید.

مورد نخست:

متن آلمانی، ص ۴۴:

چنین چیزی
مستلزم آن است که
دو متن فرانسه و آلمانی
بی کم و کاست و
با تمام تفاوت‌هایی که
دارند ترجمه شوند.

Fast könnte man sie [Transzendentalphilosophie] danach einen Neu-Cartesianismus nennen, wie sehr sie, und gerade durch die radikale Entfaltung Cartesianischer Motive, genötigt ist, fast den ganzen bekannten Lehrgehalt der Cartesianischen Philosophie abzulehnen.

متن فرانسه، ص ۱:

اما بی درنگ می‌توان
دریافت که ترجمه فارسی

On pourrait presque l'appeler un néo-cartésianisme, bien qu'elle se soit vue obligée de rejeter à peu près tout le contenu doctrinal connu du cartésianisme, pour cette raison même qu'elle a donné à certains thèmes cartésiens un développement radical.

متن انگلیسی، ص ۱:

تأملات دکارتی هوسرل
چنین شرطی را
بر آورده نمی‌سازد،
یعنی مترجم،

Accordingly one might almost call transcendental phenomenology a neo - Cartesianism, even though It Is obliged - and precisely by its radical development of Cartesian motifs - to reject nearly all the well-known doctrinal content of the Cartesian philosophy.

متن فارسی، ص ۳۱ ← می‌توان این فلسفه را کمابیش نوعی نو-دکارت گرای نامید، به این دلیل مشخص که بعضی از مضامین دکارتی را به نحو ریشه ای تکامل داده است؛ هر چند به ناچار تقریباً کل محتوای آموزه ای شناخته شده دکارتی را کنار نهاده است.

دو متن و پدیده اصلی را
بی کم و کاست و
به طور کامل به فارسی
ترجمه نکرده است.

توضیح: در این مورد می‌توان گفت که مترجم به متن فرانسه توجه داشته و تفاوت‌های معنایی را که در متن آلمانی و انگلیسی وجود دارد مدنظر قرار نداده است. می‌توان عبارت آلمانی و انگلیسی را این گونه ترجمه کرد:

جمله آلمانی ← لذا این فلسفه استعلایی هر چقدر هم که دقیقاً بواسطه آشکارسازی بنیادی مضامین دکارتی، ناگزیر باشد تا تقریباً کل محتوای آموزه ای شناخته شده فلسفه دکارتی را کنار نهد، باز هم می‌توان آن را کم و بیش نوعی نو-دکارت گرای نامید.

جمله انگلیسی بنابراین می‌توان فلسفه استعلایی را کمابیش نوعی نو-دکارت گرای نامید، هر چند که چنین فلسفه ای ناگزیر است - دقیقاً به خاطر توسعه بنیادی مضامین دکارتی - تقریباً کل محتوای آموزه ای شناخته شده فلسفه دکارتی را کنار نهد.

در این مورد، تفاوت کلیدی متن فرانسه با متن آلمانی و انگلیسی را به این صورت می‌توان توضیح داد:
در متن فرانسه و همین طور در متن فارسی، دلیل اینکه چرا فلسفه استعلایی را می‌توان نوعی نو-دکارت گرای نامید عبارت



از این است که "چنین فلسفه ای بعضی از مضامین دکارتی را به نحو ریشه ای تکامل داده است". اما در متن آلمانی و انگلیسی دلیل این امر را باید در "جمله قبل" یافت؛ زیرا در هر دو متن آلمانی و انگلیسی، این جمله با عبارت "لذا"، "بنابراین" (danach) accordingly آغاز می‌شود، یعنی ما بر طبق آنچه که پیش از این بیان شد می‌توانیم فلسفه استعلایی را نوعی نو-دکارت گرای بی‌نامیم. جمله قبلی آلمانی و انگلیسی بر این تأکید دارد که مطالعه تأملات دکارت باعث شده است که پدیده شناسی به نوع جدیدی از فلسفه استعلایی تبدیل شود و "به همین دلیل" می‌توان آن را نوعی نو-دکارت گرای بی‌نامید و نه به این دلیل که "چنین فلسفه ای بعضی از مضامین دکارتی را به نحو ریشه ای تکامل داده است".

مورد دوم:

متن آلمانی، ص ۴۴ و ۴۵:

Wenden wir uns dem uns Heutigen so befremdlichen Inhalt der Meditationen zu, so vollzieht sich darin ein Rückgang auf das philosophierende ego in einem zweiten und tieferen Sinne, auf das ego der reinen cogitationes. Diesen Rückgang vollzieht der Meditierende in der bekannten, sehr merkwürdigen Zweifelsmethode. Er versagt sich, in radikaler Konsequenz auf das Ziel absoluter Erkenntnis gerichtet, etwas als seiend gelten zu lassen, das nicht vor jeder erdenklichen Möglichkeit, daß es zweifelhaft werde, bewahrt bleibt. Er vollzieht daher eine methodische Kritik des im natürlichen Erfahrungs- und Denkleben Gewissen in Hinsicht auf seine Zweifelmöglichkeit und sucht durch Ausschluß von allem, was Möglichkeiten des Zweifels offen läßt, einen ev. Bestand von absolut Evidentem zu gewinnen.

متن فرانسه، ص ۲ و ۳:

Si nous considérons maintenant le contenu des Méditations, bien étrange pour nous, nous y relevons un second retour au moi du philosophe; en un sens nouveau et plus profond: le retour au moi des cogitations pures. Ce retour s'opère par la méthode bien connue et fort étrange du doute. Ne connaissant d'autre but que celui d'une connaissance absolue, il s'interdit d'admettre comme existant ce qui n'est pas tout à l'abri de toute possibilité d'être mis en doute. Il soumet donc à une critique méthodique, quant aux possibilités du doute qu'il peut présenter, tout ce qui dans la vie de l'expérience et de la pensée se présente pour certain, et il cherche à gagner, - si possible - par l'exclusion de tout ce qui pourrait présenter une possibilité de doute, un ensemble de données absolument évidentes.

متن انگلیسی، ص ۳:

When we turn to the content of the Meditations, so strange to us men of today, we find a regress to / the philosophizing ego in a second and deeper sense: the ego as subject of his pure cogitationes. The meditator executes this regress by the famous and very remarkable method of doubt. Aiming with radical consistency at absolute knowledge, he refuses to let himself accept anything as existent unless it is secured against every conceivable possibility of becoming doubtful. Everything that is certain, in his natural experiencing and thinking life, he therefore subjects to methodical criticism with respect to the conceivability of a doubt about it; and, by excluding everything that leaves open any possibility of doubt, he seeks to obtain a stock of things that are absolutely evident.

متن فارسی، ص ۳۳ ← اگر محتوای تأملات را که امروز برای ما بسیار بیگانه است در نظر بگیریم در آن، به معنایی جدید و عمیق تر، بازگشت دومی را به من فیلسوف، به آگویی وجدانیات محض، ملاحظه می‌کنیم. این بازگشت به وسیله روش کاملاً شناخته شده و بسیار با اهمیت شک انجام می‌شود. این روش که به هیچ هدفی جز شناخت مطلق معطوف نیست از موجود دانستن چیزی که از هر گونه امکان قابل تصور مورد شک واقع شدن مصون نباشد امتناع می‌کند. از این رو این روش هر چه را که در زندگی طبیعی تجربی و فکری، خود را یقینی جلوه می‌دهد از حیث امکان شک در آن مورد نقد روشمند قرار می‌دهد و می‌کوشد در صورت امکان با طرد هر چیزی که شک در آن ممکن باشد مجموعه ای از داده‌های مطلقاً بدیهی را به چنگ آورد.





توضیح: در این مورد روشن نیست که مترجم براساس کدام متن به ترجمه پرداخته است زیرا متن فارسی با متن آلمانی و انگلیسی تفاوتی بسیار و در عین حال با متن فرانسه نیز اختلاف دارد و دقیقاً با آن مطابق نیست. برای درک تفاوت‌ها و اشتباهات صورت گرفته کافی است که ترجمه متن آلمانی (که با متن انگلیسی تفاوت زیادی ندارد) در نظر گرفته شود.

متن آلمانی ← اگر به محتوای تأملات که برای ما امروزی‌ها بسیار بیگانه است بپردازیم، آن گاه از این لحاظ، به معنایی ثانویه و عمیق‌تر، بازگشتی به آگوی فلسفه ورز، [یعنی] به آگوی اندیشه‌های محض، صورت می‌گیرد. شخص تأمل‌کننده است که در شیوه شناخته شده و بسیار شگرف شک، این بازگشت را به انجام می‌رساند. شخص تأمل‌کننده که با قاطعیتی بنیادی به هدف شناخت مطلق معطوف است از موجود دانستن چیزی که از هر امکان قابل تصور مورد شک واقع شدن مصون نباشد، امتناع می‌کند. از این رو، شخص تأمل‌کننده آنچه را که در حیات طبیعی تجربه و تفکر، یقینی است با توجه به امکان شک در آن، مورد نقد روشی قرار می‌دهد و می‌کوشد با طرد هر چیزی که شک در آن ممکن باشد مؤلفه‌ای از امر مطلقاً بدیهی را به دست آورد. همان‌طور که آشکار است در متن فرانسه با عبارت "retour au moi du philosophe" «مواجهه می‌شویم در حالی که در متن آلمانی با عبارت "ein Rückgang auf das philosophierende ego" و در متن انگلیسی با عبارت "a regress to the philosophizing ego" سروکار داریم. از این رو، اگر متن فرانسه معیار باشد، باید بگوییم عبارت فارسی "بازگشت به من فیلسوف" درست است، اما اگر متن آلمانی و انگلیسی معیار باشد باید بگوییم عبارت فارسی نادرست است. اما نکته قابل توجه این است که در جمله سوم متن فارسی ناگهان فاعل جمله تغییر می‌کند، یعنی فاعل جمله قبل "این بازگشت" است ولی فاعل جمله بعد تبدیل به "این روش" می‌شود. آشکار است که فاعل جمله آلمانی و انگلیسی "شخص تأمل‌کننده" است. اما اگر متن فرانسه را هم به عنوان متن اصلی مورد نظر مترجم در نظر بگیریم باید بگوییم که فاعل جمله سوم در متن فرانسه، آن چنان که مترجم می‌پندارد، "این روش" نیست؛ زیرا il نمی‌تواند ضمیر la méthode باشد، بلکه در واقع ضمیر le retour است، یعنی فاعل جمله سوم باز هم "این بازگشت" می‌باشد. در جمله بعد نیز همین مشکل وجود دارد، یعنی فاعل جمله نمی‌تواند "این روش" باشد. بر همین اساس خواننده در می‌ماند که در نهایت با ترجمه کدام متن لاتین سروکار دارد. مورد سوم: نگارنده در این مورد صرفاً می‌خواهد بر این نکته تأکید نماید که مترجم کدام متن را به لحاظ ساختاری برای ترجمه در نظر گرفته است.

متن آلمانی، ص ۲۲، بند ۱۵:

Zu weitere Klärung ist aber beizufügen, daß wir unterscheiden müssen das geradehin vollzogene erfassende Wahrnehmen, Sich-erinnern, Prädizieren, Werten, Zwecksetzen usw. Von den Reflexionen, durch die sich, als erfassende Akte einer neuen Stufe, uns eben die Akte geradehin erst erschließen.

متن فرانسه، ص ۲۸:

Ajoutons pour plus de clarté qu'il faut distinguer deux choses: d'une part, les actes de conscience – perception extérieure, souvenir, prédiction, jugement de valeur, position d'une fin, etc., - accomplis spontanément, et, d'autre part, les réflexions (actes réflexifs) qui nous révèlent ces actes spontanés et qui sont elles-mêmes des actes perceptifs (erfassend) d'un ordre nouveau.

متن انگلیسی، ص ۳۳:

For the sake of further clarification, however, it should be added that we must distinguish "straightforwardly" executed grasping perceiving, remembering, predicating, valuing, purposing, etc., from the reflections by means of which alone, as grasping acts belonging to a new level, the straightforward acts become accessible to us.

متن فارسی، ص ۳۳ ← برای روشن شدن بیش تر مطلب باید میان دو چیز تفاوت گذاشت: از یک سو اعمال آگاهی نظیر ادراک بیرونی، یادآوری، پیش‌بینی، ارزش‌گذاری، وضع‌غایت و غیره که "خود به خود" انجام می‌شوند، و از سوی دیگر تأملات [اعمال تأملی] که این اعمال خود به خودی را برای ما آشکار می‌کنند و خودشان اعمال دریافت‌کننده از مرتبه‌ی جدیدی هستند.

توضیح: با نگاهی به جملات فوق به راحتی می‌توان فهمید که این جمله به لحاظ ساختاری براساس متن فرانسه و نه براساس متن آلمانی و انگلیسی ترجمه شده است. به عنوان مثال، جمله آلمانی و همچنین جمله انگلیسی با عبارت "اما برای روشن‌سازی بیشتر می‌بایست اضافه نمایم که..." آغاز می‌شوند، در حالی که این جمله در متن فرانسه و متن فارسی با "برای روشن شدن بیش تر مطلب باید میان دو چیز تفاوت گذاشت..." آغاز می‌گردد.



مورد چهارم:

متن آلمانی، ص ۴۵:

Die Zersplitterung der gegenwärtigen Philosophie in ihrer ratlosen Betriebsamkeit gibt uns denken. Seit der Mitte des vorigen Jahrhunderts ist, wenn wir die abendliche unter dem Gesichtspunkt der Einheit einer Wissenschaft zu betrachten suchen, gegenüber den vorangehenden Zeiten der Verfall unverkennbar. In der Zeilstellung, in der Problematik und Methode ist diese Einheit verloren gegangen.

متن فرانسه، ص ۴:

L'état de division dans lequel se trouve actuellement la philosophie, l'activité désordonnée qu'elle déploie donnent à réfléchir. Du point de vue de l'unité scientifique, la philosophie occidentale est, depuis le milieu du siècle dernier, dans un état de décadence manifeste par rapport aux âges précédents. L'unité a disparu partout: dans la détermination du but autant que dans la position des problèmes et de la méthode.

متن انگلیسی، ص ۴:

The splintering of present-day philosophy, with its perplexed activity, sets us thinking. When we attempt to view western philosophy as a unitary science, its decline since the middle of the nineteenth century is unmistakable. The comparative unity that it had in previous ages, in its aims, its problems and methods, has been lost.

متن فارسی، ص ۳۵ ← تفرقه ای که فلسفه معاصر در فعالیت پرهیز و مرجش به آن دچار است، سزاوار تأمل است. [از حیث وحدت علمی،] فلسفه غربی از نیمه قرن گذشته به این سو، در قیاس با اعصار قبل، در وضعیتی از انحطاط آشکار قرار دارد. [هم در تعیین هدف و هم در طرح مسائل و روش، وحدت در همه جا از بین رفته است].^۲

توضیح:

۱. مترجم در پانوشت ص ۳۵ فارسی در خصوص شماره ۱ و ۲ فوق الذکر، آورده است که: "۱. در متن فرانسه ۲. در متن فرانسه: در متن M11.5 خط خورده است."

بر این اساس می‌توان گفت که به نظر مترجم عبارت "از حیث وحدت علمی" صرفاً در متن فرانسه وجود دارد. اما همین عبارت را می‌توان با کمی تغییر در متن آلمانی (و نه در متن انگلیسی) نیز یافت، یعنی عبارت

"unter dem Gesichtspunkt der Einheit einer Wissenschaft.

اما مترجم در پانوشت دوم اشاره می‌کند که این عبارت در متن M11.5 خط خورده است. اما عبارت مورد نظر مترجم در هر سه متن وجود دارد. گمان می‌کنم منظور مترجم از M11 سطر یازدهم متن فرانسه تأملات باشد. با وجود این، نگارنده در متن فرانسه خط خوردگی ای ندیده است.

۲. در این مورد نیز آشکار است که مترجم جملات فوق را از متن فرانسه ترجمه کرده است. زیرا متن آلمانی و متن انگلیسی به لحاظ ساختاری و ترکیب و سیاق عبارات با متن فرانسه و فارسی تفاوت دارند.

نتیجه‌گیری:

۱. درباره سودمندی ترجمه براساس سه متن می‌توان گفت که: ترجمه دو متن فرانسه و آلمانی به شرطی ضروری و مفید خواهد بود که بی‌کم و کاست انجام گیرد و در غیر این صورت ترجمه ناقص هر دوی این متن نادرست و اشتباه خواهد بود. از آنجایی که مترجم حداقل دو متن فرانسه و آلمانی را بی‌کم و کاست و با ذکر تمام تفاوت‌ها ترجمه نکرده است، کار ایشان با تردیدهای جدی ای مواجه است.

۲. نمی‌توان بدون تردید و با قاطعیت در این باره اظهار نظر کرد که "ترجمه براساس سه متن" واجد چه معنایی برای مترجم بوده است.

۳. می‌توان به لحاظ معنایی و ساختاری گفت که ترجمه متن اساساً بر مبنای متن فرانسه صورت گرفته است و نه متن آلمانی و انگلیسی. با وجود این، در متن فارسی عبارات و جملاتی نیز وجود دارند که حتی با متن فرانسه نیز تطبیق نمی‌کنند.

سخن آخر: نگارنده همواره نقد را بهترین روش برای فهم متن می‌داند. از این رو، از هر نقدی که به این مقاله صورت گیرد استقبال می‌کند.